



گفت و گو
با امید نیاز،
کارگردان نمایش
«۶۸ ثانیه بعد از تو»



تئاتر نباید قربانی خنده و سرگرمی شود



نمایش «۶۸ ثانیه بعد از تو» تازه‌ترین اثر امید نیاز، نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر، با تکیه بر یک سانسحه واقعی، بیش از آنکه در پی بازخوانی تاریخ باشد، به لایه‌های روانی انسان معاصر می‌پردازد؛ انسانی که میان گذشته، انتخاب‌ها و زخم‌های درونی‌اش گرفتار شده است. نیاز در گفت و گو با روزنامه صبا از جهان فکری آثارش، نسبت فلسفه با نمایشنامه‌نویسی، همکاری با پرویز پرستویی، تجربه بازیگری در آثار خود و دغدغه‌اش برای تئاتر امروز ایران می‌گوید. نمایش «۶۸ ثانیه بعد از تو» هر شب تا ۳۰ مهر، در دو سانس ۱۹:۴۵ و ۲۱:۴۵ در تماشاخانه هامون روی صحنه می‌رود.

سروین دهقان
گفت و گو



رشد کرده‌اند و با طرحواره‌ها، عقده‌ها و آسیب‌های روحی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

وقتی هم نویسنده‌اید، هم کارگردان و هم بازیگر، چه کسی بیشتر مزاحم دیگری می‌شود؟

همیشه تلاش می‌کنم بین این سه نقش هارمونی برقرار باشد. ابتدا نویسنده کارش را انجام می‌دهد، بعد کارگردان کمی به نویسنده غر می‌زند و در نهایت بازیگر تلاش می‌کند رضایت هر دو را جلب کند. البته اگر بخواهم صادق باشم، گاهی بازیگر بیشتر از بقیه نق می‌زند!

پرویز پرستویی سال‌هاست نسبت به موضوع پرواز اوکراینی حساسیت و واکنش اجتماعی داشته است. حضور او به عنوان تهیه‌کننده چه تغییری در روند تولید یا مسئولیت شما نسبت به اثر ایجاد کرد؟

درباره مواضع اجتماعی ایشان در سال‌های گذشته قضایاتی ندارم، اما در روند تولید نمایش باید بگویم که ما آزادی کامل داشتیم. هیچ‌گونه دخالت یا فشاری از سوی ایشان وجود نداشت و همیشه حامی پروژه بودند. به نظرم حضور هنرمندی مانند پرویز پرستویی در جایگاه تهیه‌کننده برای تئاتر اتفاق ارزشمندی است؛ اینکه همچنان برای تئاتر وقت و انرژی می‌گذارد، جای خوشحالی دارد.

بین نمایش «اول شخص مفرد» و «۶۸ ثانیه بعد از تو» اگر قرار باشد فقط یکی نماینده جهان فکری امروز امید نیاز باشد، کدام را انتخاب می‌کنید و چرا؟

سوال سختی است؛ چون آثارم برای من مثل فرزندانم هستند و انتخاب یکی از آن‌ها آسان نیست. هر کدام بخشی از جهان ذهنی مرا نمایندگی می‌کنند. در «اول شخص مفرد» با انسانی روبه‌رو هستیم که قربانی خیانت شده، اما در «۶۸ ثانیه بعد از تو» مردی را می‌بینیم که خودش خیانت کرده و هم خود و هم دیگری را قربانی ساخته است. اگر قسمت سوم این سه گانه، یعنی «زندگی سگی سگی سگی»، هم روی صحنه برود، آن وقت شاید بتوان تصویر کامل‌تری از جهان فکری

اسم نمایش از همان ابتدا مخاطب را وارد یک شمارش معکوس می‌کند. چرا «۶۸ ثانیه» را به عنوان واحد روایت انتخاب کردید؟ آیا این عدد برای شما بیشتر یک زمان است یا یک وضعیت روانی؟

برای من هر دو است؛ هم یک زمان و هم یک وضعیت روانی. «۶۸ ثانیه» صرفاً یک عدد نیست، بلکه لحظه‌ای است که می‌تواند سرنوشت یک انسان را تغییر دهد. از همان ابتدا می‌خواستم مخاطب وارد فضایی شود که زمان و ذهن در آن به هم گره می‌خورند.

در این نمایش با «واقعیت تاریخی» «طریقیم یا با «حقیقت احساسی» یک انسان؟ مرز این دو را کجا نگه داشتید؟

ما با واقعیت تاریخی مواجه نیستیم، بلکه با حقیقت احساسی یک انسان روبه‌رو هستیم. البته نمایش از یک سانسحه واقعی الهام گرفته، اما داستان و درامی که برای شخصیت اصلی شکل می‌گیرد، بازسازی آن واقعیت نیست. این قصه می‌تواند برای افراد زیادی رخ داده باشد. گاهی یک تصمیم در یک مقطع زمانی معنایی دارد و چند سال بعد همان تصمیم از زاویه‌ای کاملاً متفاوت دیده می‌شود. این تغییر معنا برای من اهمیت بیشتری داشت تا بازنمایی یک رخداد تاریخی.

مخاطب بعد از پایان اجرا قرار است داغدار سالن را ترک کند یا پرسشگر؟

امیدوارم پرسشگر سالن را ترک کند. اگر هم اندوهی با او همراه باشد، ضمن احترام به قربانیان آن پرواز، بیشتر داغدار خودش باشد؛ داغدار عزیزی که در زندگی از دست داده یا انتخاب‌هایی که مسیر زندگی‌اش را تغییر داده‌اند.

آرش در ظاهر بازمانده است، اما آیا از نگاه شما او قربانی است یا مقصر انتخاب‌های خودش؟

آرش قربانی شرایطی است که از کودکی در آن رشد کرده؛ قربانی انتخاب‌های خودش، قربانی تربیت ناسالم یا نامطمئن خانواده و در نهایت قربانی زخم‌های روانی‌ای که با آن بزرگ شده است. او برای من نمادی از بسیاری از جوانان امروز است؛ کسانی که در بستری نامناسب

من به دست آورد.
اگر آثار شما را کنار هم بگذاریم، انگار چند واژه کلیدی مدام تکرار می‌شوند؛ تنهایی، خیانت، رابطه زوجین و اصول انسانی. این تکرار حاصل دغدغه شخصی است یا فکر می‌کنید این‌ها مهم‌ترین مسئله انسان معاصرند؟

هر دو. بخشی از این موضوعات دغدغه شخصی من هستند، اما مهم‌تر از آن احساس می‌کنم مسئله اصلی انسان معاصر، ارتباط، تنهایی و اخلاق است. خیانت یا روابط زوجین در واقع زیرمجموعه همین مفاهیم‌اند و به همین دلیل بارها در آثارم تکرار می‌شوند.

فکر می‌کنید اگر فلسفه نمی‌خواندید، باز هم همین سوزها را انتخاب می‌کردید یا تحصیلات آکادمیک نگاهتان را به روابط انسانی تغییر داده است؟

احتمالاً فلسفه تأثیر بسیار زیادی بر نگاه من گذاشته است. البته همیشه در آثارم سعی کرده‌ام به مسائل انسانی بپردازم، اما تحصیلات آکادمیک، به‌ویژه در حوزه فلسفه، کمک کرده نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تری به روابط انسانی پیدا کنم.

شخصیت‌های شما معمولاً بیش از آنکه با دیگری بجنگند، با خودشان درگیرند. این انتخاب آگاهانه است؟

کاملاً آگاهانه. فکر می‌کنم سال‌هاست که مهم‌ترین نبرد انسان، نبرد درونی اوست. بیشترین درگیری‌ها امروز در ذهن و روان انسان اتفاق می‌افتد و طبیعی است که شخصیت‌های من نیز بیش از هر چیز با خودشان روبه‌رو شوند.

صحبت پایانی
همیشه تلاش کرده‌ام به مصائب و دغدغه‌های انسان معاصر بپردازم و آثاری تولید کنم که ضرورت اجرا داشته باشند. از همه تماشاگرانی که در سال‌های اخیر همراه من بوده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. درباره «۶۸ ثانیه بعد از تو» باید بگویم که این نمایش بر اساس تازه‌ترین تکنیک‌های اجرایی و با الهام از نظریه‌های تئاتر شقاوت آنتونن آرتو شکل گرفته است. در نگارش اثر تلاش کردیم، در عین یادآوری سانسحه پرواز اوکراینی، تمرکزمان بر پیامدهای انسانی و روان‌شناختی آن باشد، نه بر وجوه سیاسی ماجرا. پیش از جنگ، این نمایش برای اجرا در ایتالیا، آلمان و بلغارستان دعوت شده بود، اما متأسفانه این فرصت از بین رفت و می‌توان گفت «۶۸ ثانیه بعد از تو» خود نیز قربانی جنگ شد. امیدوارم مخاطبان به این نوع از تئاتر که حاصل سال‌ها تجربه و کار من در اروپا است، بیشتر توجه کنند تا بتوانیم تئاتر نوین را در ایران نیز تثبیت کنیم.

